

## اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در کنترل کودکان پرخاشگر کم توان ذهنی آموزش پذیر

حسینی، حسین<sup>۱</sup>؛ جنگجو، زهره<sup>۲</sup>؛ کارشکی، محمدحسین<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روان شناسی کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاین hosseinidashtbayaz@gmail.com

<sup>۲</sup> دبیر آموزش و پرورش شهرستان قاین، jangjoo@gmail.com

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی، kareshki@ferdowsi.um.ac.ir

محل و زمان: مدارس استثنایی شهر قاین- سال ۱۳۹۰، برگرفته از پایان نامه

### چکیده

به زعم روان‌شناسان اجتماعی، پرخاشگری یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان و از دلایل مهم ارجاع دادن آنان به روان‌درمانگران است لذا مداخله‌ی بهنگام در دوران کودکی از بروز مشکلات اجتماعی در آینده پیشگیری می‌کند. هدف پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مهم، اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی در کنترل کودکان پرخاشگر تعیین شد. این پژوهش از نظر روش، آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و با گمارش تصادفی بود. ۲۴ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر پرخاشگر (ملاک شناسایی= پرسش‌نامه پرخاشگری اهواز) به صورت تصادفی ساده (بر اساس حروف الفبا) در چهار گروه آزمایش و کنترل جای گرفتند. دو گروه آزمایش به مدت ۱۴ جلسه‌ی ۳۰ دقیقه‌ای مهارت‌های ارتباطی را آموختند. نتایج نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی، پرخاشگری کودکان (دختر و پسر) را کاهش داد. همچنین متغیرهای جمعیت شناختی (وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین و شکل خانواده) ارتباطی با میزان پرخاشگری دانش‌آموز نداشتند. کلمات کلیدی: پرخاشگری؛ مهارت‌های ارتباطی؛ کم توان ذهنی آموزش پذیر.

### بیان مسئله

رفتارهای ضد اجتماعی (Anti social behavior) و پرخاشگری (Aggression) در زمره شایع‌ترین علل ارجاع کودکان و نوجوانان به کلینیک‌های بهداشت روانی هستند (ونبلز و سایمون ۲۰۰۱؛ به نقل از شجاعی و علمدار لو، ۱۳۸۵). تعریف پرخاشگری از دیدگاه بسیاری از روان‌شناسان، بسیار مشکل یا غیرممکن است (معتدین و عبادی، ۱۳۸۶). پرخاشگری معمولاً به عنوان صفت شخصیتی یا سیاق بنیادی یا حتی حالت عاطفی یا نگرش تعریف می‌شود (لوک لامارش، ژوزه دزبل و لوک بدار، ۱۹۹۹). به تعبیر برکوویتز (۱۹۹۳) پرخاشگری تمایل نسبتاً دائم به ابراز رفتارهای توأم با پرخاش از سوی فرد در موقعیت‌های مختلف است (تبریزی و رحمتی، ۱۳۸۱). در تعریفی دیگر پرخاشگری عبارت است از عملی که هدفش اعمال صدمه و رنج باشد (عطاری و حقیقی، ۱۳۸۱). جرم‌های خشونت‌آمیز مثل ضرب و جرح، دزدی، آتش‌سوزی، قتل و تجاوز در بین کودکان شایع است (صادقی، احمدی و عابدی، ۱۳۸۱). در مورد کودکان کم توان ذهنی با توجه به محدودیت‌های ویژه که نسبت به کودکان عادی دارند می‌توان انتظار داشت که رفتارهای پرخاشگرانه و سازش نایافته بیشتری از آن‌ها بروز کند. آن‌ها به سبب محدودیت‌های مختلف که غالباً از محدودیت‌های شناختی آن‌ها ناشی می‌شود با شکست‌های متعددی روبرو می‌شوند و پیامد همه این عدم موفقیت‌ها، ناکامی است که خودسر آغاز پرخاشگری به گونه‌های مختلف خواهد بود. از جمله محدودیت‌های کودکان کم توان ذهنی ضعف قوای جسمانی و توانایی‌های جسمی و حرکتی آنان است (افروز، ۱۳۸۳؛ به نقل از شجاعی و علمدار لو، ۱۳۸۵). شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و مداخله به هنگام می‌تواند از ادامه این رفتار پیش‌گیری کند (گودوین، پیسی و گریس، ۲۰۰۳؛ به نقل از نصیرزاده و روشن، ۱۳۸۹). روش‌های مختلفی برای درمان پرخاشگری کودکان و نوجوانان کم توان ذهنی پیشنهاد شده است که از آن جمله روش‌های مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی است (کافمن، ۱۹۹۷). این روش‌ها عبارت‌اند از ارائه و تقویت الگوهای مناسب به کودکان تا به طریق نیابتی رفتارهای غیر پرخاشگرانه آنان تقویت شود، آموزش خودگردانی و روش‌های بازدارندگی از پرخاشگری و استفاده از اصول پنج‌گانه تغییر رفتار برای کاهش پرخاشگری و همچنین افزایش رفتارهای دانش‌آموزان غیر از رفتارهای پرخاشگری تقویت می‌شود و درمانی که فرد بتواند رفتارهای پرخاشگرانه خود را کنترل کند مورد تقویت قرار می‌گیرد (فاضل، ۱۳۷۹؛ به نقل از شجاعی و علمدار لو، ۱۳۸۵). مداخلات شناختی - رفتاری با کودکان پرخاشگر را می‌توان به چند رویکرد

درمانی گروه‌بندی نمود. این رویکردها عبارت‌اند از: آموزش خودآموزی، آموزش کنترل خشم، آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش کنترل وابستگی، آموزش مهارت‌های اجتماع‌پسند و آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی و آموزش مهارت‌های ارتباطی (توزنده جانی، ۱۳۸۱). مهارت‌های ارتباطی (Communication skills) بخشی از مهارت‌های زندگی (Life skills) هستند (پور شریفی، بهرامی و تبریزی، ۱۳۸۵). بخش عمده‌ای از مهارت‌های اجتماعی (Social skills) را روابط بین افراد و به بیان دقیق‌تر مهارت‌های ارتباطی افراد تشکیل می‌دهند. در واقع، اجتماعی شدن هر فرد دستاورد مهارت‌های ارتباطی است که قبلاً آموخته است و توفیق در اکثر حوزه‌های زندگی از طریق توانایی ایجاد ارتباط قابل پیش‌بینی است (چاری و دلاور پور، ۱۳۸۵). در این راستا باید گفت که مهارت‌های ارتباطی به‌منزله آن دسته از مهارت‌هایی هستند که به‌واسطه آن‌ها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فرآیندی و فرآیند ارتباط شوند یعنی فرآیندی که افراد در طی آن اطلاعات افکار و احساسات خود را از طریق مبادله پیام‌های کلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند (هارپچه و دیکسون، ۲۰۰۴). مهارت‌های ارتباطی به فرد این توانایی را می‌بخشد که مسئولیت‌های نقش اجتماعی خود را به‌پذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواسته‌ها و مشکلات روزانه به‌ویژه در روابط بین فردی به شکل مؤثری روبرو شود (حیدرپور، ۱۳۸۷). هر ارتباط حداقل شامل سه جزء فرستنده، پیام، گیرنده پیام است. مهارت‌های ارتباطی نیز به‌طور کلی مربوط به فرآیند برقراری ارتباط میان حداقل دو نفر است (یار علی، شواخی و عریضی، ۱۳۸۶). کولینک معتقد است که جهت برقراری یک ارتباط مناسب آشنایی با مهارت‌های ارتباطی ضروری است (محمدی و حقیقی، ۱۳۸۸). مهارت‌های ارتباطی صحیح در افراد کم‌توان ذهنی یکی از اهداف اصلی در بحث آموزش‌های مهارت‌های زندگی به افراد کم‌توان ذهنی آموزش پذیر می‌باشند. در ایران تحقیقی که به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی در پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر بردارد یافت نشد. در این پژوهش به این سؤال پاسخ داده شد که آیا آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر در کاهش پرخاشگری آنان مؤثر است؟

## اهمیت و ضرورت

امروزه مسئله‌ی پرخاشگری یکی از حادث‌ترین مسائلی است که اکثر خانواده‌ها با آن روبرو هستند و می‌توان گفت کودکان به‌ویژه کودکان کم‌توان ذهنی بیشتر در معرض خطر این رفتار افراطی قرار گرفته و به آن مبتلا می‌شوند. اگر مشکلات این دوره مهم از زندگی موردبررسی قرار نگرفته و برطرف نشود، منشأ بسیاری از مسائل خطرناک و مسئله‌ساز می‌گردد و از آن جا که مشکلی با مشکل دیگر پیوند خورده و در نهایت سبب بسیاری از انحرافات فردی و اجتماعی و حتی بزهکاری خواهد شد به همین علت ضرورت دارد تا همه نهادها و سازمان‌ها در این حیطه وارد شده و برای برطرف کردن موانع و مشکلات کودکان قدم بردارند تا ریشه مشکلات کودکان از جمله پرخاشگری مشخص شده و تا حد امکان راه‌حل‌های مفید در جهت تعدیل رفتار پرخاشگری و عدم بروز آن ارائه گردد؛ لذا پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مهم، در جهت کاهش پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی گام برداشته است.

## فرضیه‌های پژوهش

۱. آموزش مهارت‌های ارتباطی، پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر را کاهش می‌دهد.
۲. بین میزان پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر و متغیرهای جمعیت‌شناختی (وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین و شکل خانواده) رابطه وجود دارد.

## روش

### الف) شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و با گمارش تصادفی است. کلیه دانش‌آموزان مقطع تحصیلی ابتدایی مدارس استثنایی دخترانه و پسرانه (۱۴۵ نفر) شهر قاین که در سال ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند به‌عنوان جامعه‌ی آماری در نظر گرفته شد. ۲۴ نفر انتخاب شده (۱۲ نفر دختر و ۱۲ نفر پسر) به‌صورت تصادفی ساده بر اساس حروف الفبا به

تفکیک ذکر شده (دختر - پسر) مرتب شدند و افراد ردیف‌های فرد به‌عنوان گروه آزمایش و افراد ردیف‌های زوج به‌عنوان گروه کنترل در دو گروه ۶ نفره (۶ نفر آزمایش و ۶ نفر کنترل) در هر مدرسه گمارده شدند.

#### ب) ابزار

ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه پرخاشگری اهواز بود. این پرسش‌نامه در سال ۱۳۷۹ توسط زاهدی‌فر بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده است؛ و دارای ۳۰ سؤال با مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (دارای گزینه هرگز، به‌ندرت، گاهی اوقات و همیشه) است. در این پرسش‌نامه به گزینه هرگز نمره صفر، به‌ندرت نمره یک، گاهی اوقات نمره ۲ و همیشه نمره ۳ تعلق می‌گیرد. قابل ذکر است که سؤال ۱۸ پرسش‌نامه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود بنابراین حداکثر نمره در این آزمون نود و حداقل نمره صفر خواهد بود. نقطه برش آزمون ۴۵ است که هر چه نمره فرد بالاتر از ۴۵ باشد میزان پرخاشگری او بیشتر است. ضریب اعتبار (پایایی) این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و با روش باز آزمایی ۰/۷۰ به‌دست‌آمده است. ضریب همبستگی این پرسش‌نامه با خرده مقیاس‌های برون - درون‌گرایی، روان‌نژندی و روان‌پریشی از پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک به ترتیب با ضرایب ۰/۲۰، ۰/۳۶ و ۰/۵۵، با مقیاس پرخاشگری باس - دورکی ۰/۵۶ و مقیاس افسردگی (I=۰/۳۷)، سایکوپاتی (I=۰/۴۳)، پارانویید (I=۰/۳۶)، سایکاستنی (I=۰/۵۸)، اسکیزوفرنی (I=۰/۴۶) و مانی (I=۰/۲۷) معنی‌دار می‌باشد (زاهدی‌فر، ۱۳۷۹). ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در پژوهش حاضر در گروه آزمایش ۰/۷۱ و در گروه کنترل ۰/۷۰ به دست آمد که قابل‌قبول است. سلیس و روان بودن و توانایی مجموعه عبارات در اندازه‌گیری متغیرهای مربوطه مورد تأیید اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت.

#### ج) شیوه اجرا

در این پژوهش پس از کسب مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش و مدارس استثنایی و پس از مشخص شدن گروه نمونه بر اساس پیش‌آزمون و تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل، در مدارس در دو روز هفته یعنی برای گروه آزمایش پسران و دختران در اتاقی جدا از سایر دانش‌آموزان و گروه کنترل، آموزش‌ها با استفاده از معلمان همان مدارس بر اساس مطالب کتاب‌های ذکر شده طی مدت‌زمان هفت هفته از ساعت ۱۲ الی ۱۲/۳۰ مداخلات آزمایشی به مدت ۱۴ جلسه، بیان نکاتی درباره‌ی نقش حرف زدن و گوش دادن؛ شیوه‌های ارتباط در جامعه و آماده‌سازی و خاتمه یک ارتباط مفید، موانع ارتباط مؤثر، توضیح عناصر اصلی ارتباط، آشنایی تمرین ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی و تفسیر آن، خصوصیات فیزیکی و عوامل محیطی در ارتباط غیرکلامی، انواع گوش کردن، تسلط بر مهارت گوش کردن حین رابطه، انعکاس احساسات و معانی پس از این که احساس و حالت هیجانی او را متوجه شدید و توضیح صداقت، عشق و کاربرد همدلی و ضعف و ناتوانی افراد پرخاشگر و خشن در کاربرد همدلی، شناخت سه احساس یا هیجان و شناخت احساسات منفی و رفتار منفی، تعریف خشم و تشخیص علائم جسمانی خشم و تشخیص زود هنگام خشم، توضیح و عوامل یا موقعیت‌هایی که باعث ایجاد خشم می‌شوند؛ و آشنایی با واکنش‌های هنگام خشم، واکنش سازگاران در هنگام خشم و شیوه‌های ابراز آن، شیوه‌های عملی برای کنترل خشم (آرام‌سازی و تغییر خودگویی منفی، کسب توانایی کنترل خشم در موقعیت‌های مختلف) برای گروه آزمایش به اجرا درآمد. روش آموزش به‌صورت یادگیری فعال بود و از روش‌های آموزشی "پرسش و پاسخ، بارش فکری، ایفای نقش، فعالیت در گروه‌های کوچک" استفاده می‌شد؛ و شروع جلسات با سؤال شروع می‌شد و به کودکان فرصت داده می‌شد تا مطالب آموزشی را تجربه کنند.

#### نتایج

نتایج آمار توصیفی نشان داد شغل پدر بیشتر افراد مورد مطالعه (۷۰/۸۰ درصد) کارگری و کشاورزی بود. اکثر پدران و مادران افراد مورد مطالعه (۴۵/۸ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی بودند. بالاترین مدرک پدران، دیپلم (۸/۳٪) و بالاترین مدرک مادران (۱۶/۷٪) راهنمایی بود. وضعیت درآمدی خانواده: اکثر افراد شرکت‌کننده در مطالعه (۵۸/۳ درصد) دارای خانواده‌هایی با سطح درآمدی ضعیف بودند. بیشتر خانواده (۲۹/۲ درصد) دارای ۲ فرزند بودند. ۸۷/۵ درصد خانواده‌های افراد مورد مطالعه دارای ۱ فرزند کم‌توان ذهنی بودند. اکثر افراد مورد مطالعه (۳۷/۵ درصد) فرزند اول خانواده خود بودند. میانگین سن مادر در افراد مورد مطالعه ۳۹/۲۰ و میانگین سنی پدر افراد مورد مطالعه ۴۳/۵۴ به دست آمد. در گروه آزمایش نمره پرخاشگری دختران در مرحله پیش‌آزمون  $44/16 \pm 10$ ، پس‌آزمون  $24/6 \pm 20/83$ ، نمره پرخاشگری پسران در مرحله پیش‌آزمون  $45/13 \pm 47/33$ ، پس‌آزمون  $11/7 \pm 16/29$  بود. در گروه کنترل نمره پرخاشگری دختران در مرحله پیش‌آزمون  $44/3 \pm 35/66$ ، پس‌آزمون

۶/۷۹ ± ۳۶/۱۶، نمره پرخاشگری پسران در مرحله پیش‌آزمون ۹/۸۲ ± ۴۵/۱۶، پس‌آزمون ۱۰/۴۰ ± ۴۲/۱۶ بود. نتایج آزمون t مستقل نشان داد گروه‌های آزمایش و کنترل (دختر(۱) و پسر(۲)) در مرحله‌ی پیش‌آزمون از لحاظ متغیر پرخاشگری همتا بودند ( $d_1=۱/۲۶$ ،  $p_1>۰/۰۵$ ،  $T_1(۶/۱۶)=۱/۹۶$ ) نتایج آزمون t همبسته نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی، پرخاشگری کودکان گروه‌های آزمایش را در مرحله‌ی پس‌آزمون کاهش داد. ( $T_2(۱۰)=۰/۳۱$ ،  $p_2>۰/۰۵$ ،  $d_2=۰/۱۸$ ،  $T_1(۵)=۹/۰۵$ ،  $p_1<۰/۰۱$ ،  $d_1=۲/۸۷$ ) نتایج آزمون t مستقل نشان داد میانگین تغییرات نمرات کودکان پرخاشگر (بدون تفکیک) در گروه آزمایش و کنترل از لحاظ آماری متفاوت بود ( $T_2(۵)$ ) اما در گروه کنترل تفاوتی مشاهده نشد ( $d_1=۰/۰۹$ ،  $p_1>۰/۰۵$ ،  $T_1(۵)=-۰/۱۶$ ،  $d_2=۰/۲۹$ ،  $p_2>۰/۰۵$ ) نتایج آزمون t مستقل نشان داد میانگین تغییرات نمرات کودکان پرخاشگر (بدون تفکیک) در گروه آزمایش و کنترل از لحاظ آماری متفاوت بود ( $T_2(۱۰)=۶/۵۰$ ،  $p<۰/۰۱$ ،  $d=۳/۹۲$ ) نتایج تحلیل واریانس نشان داد وضعیت اقتصادی خانواده (درآمد و شغل پدر) با نمره پرخاشگری در افراد مورد مطالعه رابطه معناداری وجود ندارد ( $F(۲,۲۱)=۰/۱$ ،  $p>۰/۰۵$ ،  $F(۲,۲۱)=۰/۷۴$ ،  $p>۰/۰۵$ ) نتایج تحلیل واریانس نشان داد تحصیلات والدین (پدر و مادر) با نمره پرخاشگری در افراد مورد مطالعه رابطه معناداری وجود ندارد ( $F(۲,۲۱)=۲/۶۶$ ،  $p>۰/۰۵$ ،  $F(۲,۲۱)=۰/۰۴$ ،  $p>۰/۰۵$ ) نتایج ضریب همبستگی نشان داد شکل خانواده (سن مادر، سن پدر، تعداد فرزند، تعداد فرزند معلول، فرزند چندم) با نمره پرخاشگری در افراد مورد مطالعه رابطه معناداری وجود ندارد ( $r=۰/۰۵$ ،  $p>۰/۰۵$ ،  $r=۰/۰۹$ ،  $p>۰/۰۵$ ،  $r=۰/۰۴$ ،  $p>۰/۰۵$ ،  $r=۰/۰۴$ ،  $p>۰/۰۵$ )

## بحث

نتایج فرض اول پژوهش حاضر نشان داد: آموزش مهارت‌های ارتباطی، پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر را کاهش داد این نتیجه با نتایج پژوهش لاجمن (۱۹۹۲)، سخودولسکی، کازینف و گورمن (۲۰۰۴)، کلنر و تونین (۲۰۰۲)، عارفی و رضویه (۱۳۸۲)، گل چرست و ماکسول (۱۹۸۷)، درتاج (۱۳۸۸)، بیان زاده (۱۳۸۲) همخوانی دارد. در تبیین این امر می‌توان گفت که دلیل موفقیت مهارت‌های ارتباطی بر مدیریت خشم جامع و گستردگی آن است چرا که آموزش مهارت‌های ارتباطی ترکیبی از تکنیک‌های ابراز وجود، ابراز احساس، گوش دادن فعال و بازخورد است. نتایج فرض دوم پژوهش نشان داد بین میزان پرخاشگری کودکان کم‌توان ذهنی و وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین و شکل خانواده رابطه وجود نداشت. این نتیجه با نتایج پژوهش کوپراسمیت، برایانت و ویلوبی (۲۰۰۰) و خسروی و عزتی (۱۳۷۹) همخوانی نداشت. آن‌ها معتقد بودند وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین خانواده، سطح شغلی پایین والدین، ساخت خانواده (سالم یا ناسالم بودن)، اندازه و تعداد خانواده، حمایت کم اجتماعی و خانوادگی وضعیت و موقعیت مکانی پایین خانواده نقش مؤثری در رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان دارد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، محدود بودن تعداد کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در شهر قاین و پایین بودن سطح سواد والدین و عدم توجه به آموزش مهارت‌ها به این کودکان از سوی والدین بود. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای مدون جهت آموزش مهارت‌های ارتباطی به‌صورت کارگاه‌های آموزشی و یا تدوین کتابی در این زمینه برای مقاطع مختلف تحصیلی، توسط آموزش و پرورش کودکان استثنایی در نظر گرفته شود. با توجه به اهمیت دوران نوجوانی، پیشنهاد می‌شود پژوهشی در این زمینه بر روی نوجوانان کم‌توان ذهنی انجام گیرد.

## منابع

معمتدین، مختار و عبادی، غلامحسین. (۱۳۸۶). نقش باورهای غیرمنطقی و پرخاشگری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).

نصیرزاده، راضیه و روشن، رسول. (۱۳۸۹). تأثیر قصه‌گویی در کاهش پرخاشگری پسران شش تا هشت ساله. *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، شماره ۲، سال ۱۶، ۱۱۹.

توزنده جانی، حسن و همکاران. (۱۳۸۱). بررسی کارآمدی نسبی درآمدهای شناختی رفتاری در کنترل پر خاشگری. *پیام مشاور*، شماره ۷، ۱۱۸-۱۱۲.

حیدرپور، سوزان. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش برقراری ارتباط مؤثر بر افزایش عزت نفس و کاهش کمرویی معلولان جسمی- حرکتی استان تهران. *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، شماره ۱۴، سال ۳، ۴۳-۴۲.

غباری بناب، باقر و خانزاده فیروزجاه، عباسعلی حسین. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی و آموزش کودکان با کم‌توانی ذهنی*. تهران: دانژه.

فتحی، مهدی. (۱۳۸۵). *مهارت/ارتباط مؤثر*. مشهد: شهیدی پور.

زاهدی‌فر، شهین؛ نجاریان، بهمن و شکرکن، حسین. (۱۳۷۹). ساخت و اعتبار یابی مقیاسی برای سنجش پرخاشگری. *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، دوره ۳، سال ۷، ۱۵۳-۱۵۰.

عارفی، مژگان و رضویه، اصغر. (۱۳۸۲). بررسی رابطه پرخاشگری آشکار و ارتباطی با سازگاری عاطفی اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد/صفهان*، شماره ۱۳، ۱۲۵-۱۱۳.

درتاج، فریبرز، مصائبی، اسداله و اسدزاده، حسن. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر ۱۵ - ۱۲ ساله. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، سال سوم، شماره ۴: ۶۳.

خسروی، زهره و عزتی، مریم. (۱۳۷۹). بررسی باورهای هنجاری کودکان و نوجوانان درباره پرخاشگری و رفتارهای پرخاشگرانه و ارتباط آن با اختلالات رفتاری. *پیام مشاور معاونت پرورشی و تربیت‌بدنی*، پاییز ۱۳۷۹، ۱۳۷-۱۳۵.

Kauffman, J. m. (1997). *Characteristics of Emotional and behavioral Disorders of children and Youth*, 6th. Ed. Columbus. OH. Merrill

Lochman JE. (1992). Cognitive-behavioral interventions with aggressive boys: Three-year follow-up and preventive effects. *Counseling and Clinical Psychology*, 426-432

Sukhodosky, D. G. kassinove. H, & Gorman, B. S. (2004 ). *Cognitiv-behavioral therapy for anger in children and adolescents: A meta-analysis*. *Aggression and Violent Behavior*, 9

Kupersmidt, J. B., Bryant, D., & Willoughby, M. (2000). Prevalence of aggressive behavior among preschoolers in head start and community child care programs. *Behavioral Disorders*, 26, 42 - 53.